Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 6, Issue 1, 2026

Jurisprudential Feasibility of Criminalizing Breach of Confidentiality in Criminal Proceedings as an Independent Offence under Iranian Law

Jalal Kariminejad [1], Maryam Naghdi Dourbati [2*], Morteza Sadeghi [1]

1. Department of Law, Shk.C, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.
2. Department of Law, Shk.C, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: ***Original Research***
Pages: ***45-58***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0002-3673-1863*
TELL: *+989133363452*
Email: *M.naghdi7208@iau.ac.ir*

Article history:
Received: *04 Oct 2025*
Revised: *26 Dec 2025*
Accepted: *07 Jan 2026*
Published online: *22 Dec 2026*

Keywords:
Criminalisation, Confidentiality in Criminal Proceedings, Privacy, Imamiyyah Jurisprudence, Iranian Criminal Law.

ABSTRACT

Confidentiality in criminal proceedings is a fundamental safeguard for the dignity, privacy, security and reputation of individuals involved in the criminal justice process. Criminal case files often contain sensitive information concerning allegations, personal and family circumstances, health, communications, images, witness statements and investigative measures. Premature or unjustified disclosure of such information may cause serious harm, irrespective of the final outcome of the proceedings. Although Iranian law contains dispersed provisions governing the confidentiality of preliminary investigations, restrictions on the publication of judicial information and the professional duties of persons with authorised access to case files, it does not establish a comprehensive and independent offence specifically addressing breaches of confidentiality in criminal proceedings. Using a descriptive-analytical method, this article examines the conceptual scope of confidentiality, the relevant deficiencies in Iranian criminal law and the capacity of Imamiyyah jurisprudence to justify independent criminal protection. The findings demonstrate that the prohibitions against spying, disclosure of secrets, violation of personal honour, infliction of unlawful harm and interference with the administration of justice, together with the governing authority's power to impose discretionary punishments, provide an adequate jurisprudential basis for criminalisation. Nevertheless, any legitimate offence must comply with the principles of necessity, proportionality, culpability and legal certainty and must recognise exceptions for lawful defence, performance of a legal duty, reporting to competent authorities, prevention of imminent harm and proportionate disclosure in the public interest. Accordingly, the article proposes a narrowly defined offence covering the intentional disclosure, transmission or facilitation of unauthorised access by persons subject to a specific legal, professional or contractual duty of confidentiality. Liability of third parties should be limited to the knowing publication or republication of protected information, while aggravating circumstances and sanctions should be clearly differentiated. Such an offence could address the existing gap in Iranian law without undermining open justice, the right of defence or legitimate freedom of information.

This is an open access article under the CC BY license. © 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Kariminejad, J; Naghdi Dourbati, M & Sadeghi, M (2026). "Jurisprudential Feasibility of Criminalizing Breach of Confidentiality in Criminal Proceedings as an Independent Offence under Iranian Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 6(4): 45-58.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir
دوره ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۵

امکان‌سنجی فقهی جرم‌انگاری مستقل نقض محرمانگی دادرسی کیفری در حقوق ایران

جلال کریمی‌نژاد [۱]، مریم نقدی دورباطی [۲*]، مرتضی صادقی [۱]

۱. گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵-۵۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۳۶۷۳-۱۸۶۳

تلفن: ۹۸۹۱۳۳۳۶۳۴۵۲+

ایمیل: M.naghdi7208@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

جرم‌انگاری، محرمانگی دادرسی کیفری، حریم خصوصی، فقه امامیه، حقوق کیفری ایران.

چکیده

محرمانگی دادرسی کیفری یکی از تضمین‌های اساسی حمایت از حیثیت، حریم خصوصی و امنیت اشخاص درگیر در فرایند عدالت کیفری است. پرونده کیفری معمولا حاوی داده‌هایی درباره اتهام، سوابق فردی، وضعیت خانوادگی، سلامت، ارتباطات، تصاویر، اظهارات شهود و بزه‌دیدگان و اطلاعات مربوط به تحقیقات است که افشای نابهنگام یا ناموجه آن‌ها می‌تواند زیان‌هایی مستقل از نتیجه نهایی رسیدگی ایجاد کند. با این‌حال، حقوق ایران به‌رغم پیش‌بینی مقررات پراکنده درباره غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی، منع انتشار برخی اطلاعات و مسؤولیت صاحبان حرفه، عنوان مجرمانه‌ای جامع و مستقل برای نقض محرمانگی دادرسی کیفری ندارد. این پراکندگی، تعیین قلمرو رفتار ممنوع، اشخاص مسؤول، عنصر روانی و ضمانت اجرای متناسب را دشوار ساخته و در محیط دیجیتال، امکان انتشار سریع و بازتولید دائمی اطلاعات قضایی، کاستی موجود را آشکارتر کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی – تحلیلی، نخست مفهوم و قلمرو محرمانگی دادرسی را تبیین می‌کند، سپس ظرفیت مبانی فقه امامیه را برای حمایت کیفری مستقل از آن بررسی و تحلیل می‌نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد قواعد حرمت تجسس، غیبت، هتک حرمت مؤمن، افشای سر، اضرار و اخلال در اجرای عدالت، در کنار اختیارات تعزیری حاکم، پشتوانه لازم برای اصل جرم‌انگاری را فراهم می‌سازند؛ اما مشروعیت جرم‌انگاری منوط به رعایت ضرورت، تناسب، قطعیت قانونی و پیش‌بینی استثناهای مربوط به دفاع، گزارش مسؤولانه رسانه‌ای و افشای مبتنی بر منفعت عمومی است. نتیجه پژوهش آن است که می‌توان با تعریف دقیق «اطلاعات محرمانه دادرسی»، تفکیک اشخاص دارای تکلیف حرفه‌ای از اشخاص ثالث، جرم‌انگاری عمدی افشا یا فراهم کردن دسترسی نامجاز و پیش‌بینی ضمانت اجراهای درجه‌بندی‌شده، خلأ حقوق ایران را برطرف کرد، بدون آنکه اصل علنی بودن دادرسی و آزادی مشروع اطلاع‌رسانی مخدوش شود.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

دادرسی کیفری در نقطه تلاقی دو ضرورت بنیادین قرار دارد: از یک‌سو، اعمال قدرت قضایی باید در معرض نظارت عمومی باشد تا شفافیت، پاسخگویی و امکان نقد مسؤولانه عملکرد پلیس، دادسرا و دادگاه تضمین شود؛ از سوی دیگر، فرایند کیفری مشتمل بر اطلاعاتی است که افشای بی‌ضابطه آن‌ها می‌تواند حیثیت، امنیت و حریم خصوصی اشخاص درگیر در پرونده را به‌طور جبران‌ناپذیر آسیب بزند. علنی بودن دادرسی، ابزاری برای نظارت بر عملکرد قدرت قضایی است، اما از این اصل نمی‌توان حق نامحدود دسترسی، تصویربرداری، ضبط، بازنشر یا افشای همه اطلاعات پرونده را استنتاج کرد. بنابراین، حمایت از محرمانگی دادرسی به معنای پنهان کردن کلی فرایند عدالت نیست، بلکه ناظر بر ایجاد محدودیت‌های مشخص، ضروری و متناسب درباره اطلاعاتی است که انتشار آن‌ها حقوق اشخاص یا سلامت رسیدگی را تهدید می‌کند. برقراری توازن میان عدالت علنی و حفاظت از اطلاعات حساس قضایی، مستلزم آن است که نه محرمانگی به ابزاری برای گریز دستگاه قضایی از پاسخگویی تبدیل شود و نه علنی بودن، پرونده کیفری را به منبع آزاد داده برای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مبدل سازد (بارانی‌بیرانوند و احمدزاده، ۱۴۰۲: ۶۸).

اهمیت این حمایت در مرحله تحقیقات مقدماتی آشکارتر است؛ زیرا در این مرحله، اتهام هنوز به اثبات نرسیده و بخش قابل‌توجهی از داده‌های پرونده خام، ارزیابی‌نشده یا در معرض تکمیل است. انتشار نام و تصویر متهم، متن بازجویی، گزارش ضابط، نظریه کارشناسی، اطلاعات پزشکی، محتوای ابزارهای الکترونیکی یا اظهارات ناقص شاهد ممکن است پیش از ارزیابی قضایی، تصویری قطعی از مجرمیت شخص در افکار عمومی ایجاد کند و اصل برائت را در عرصه اجتماعی بی‌اثر سازد. حتی صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت نیز همواره قادر به جبران آثار چنین انتشاری نیست؛ زیرا داده‌های دیجیتال قابلیت تکثیر، ذخیره، جست‌وجو و بازنشر مستمر دارند. در این میان، حق متهم بر تصویر نیز بخشی از حق بر شخصیت و حریم خصوصی اوست و نشان می‌دهد که حمایت اطلاعاتی در دادرسی کیفری صرفا به منع انتشار نام محدود نمی‌شود، بلکه هر داده‌ای را در برمی‌گیرد که بتواند به شناسایی، تحقیر یا ایجاد پیش‌داوری عمومی علیه شخص منتهی شود (خالقی و جهانمردی، ۱۴۰۳: ۱۴۴).

در نظام حقوقی ایران، حمایت از محرمانگی دادرسی در مجموعه‌ای از مقررات پراکنده پیش‌بینی شده است. قواعد مربوط به غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی، تکلیف مقامات قضایی و ضابطان به حفظ اسرار، حمایت از شهود و بزه‌دیدگان، محدودیت انتشار تصویر و مشخصات متهم، ممنوعیت انتشار جریان رسیدگی در برخی جرائم، منع افشای اسرار حرفه‌ای و مسؤولیت انتظامی کارکنان قضایی و صاحبان حرفه، هر یک بخشی از این حمایت را تأمین می‌کنند. افزون بر این، عناوینی مانند افترا، نشر اکاذیب، هتک حیثیت و برخی جرائم رایانه‌ای ممکن است حسب مورد نسبت به انتشار اطلاعات پرونده قابل اعمال باشند. با این‌حال، این مقررات از حیث موضوع حمایت، مرتکب، رفتار مادی، زمان تحقق، عنصر روانی و نوع ضمانت اجرا هماهنگ نیستند و نقض محرمانگی دادرسی را همواره به‌عنوان زیانی مستقل شناسایی نمی‌کنند. در نتیجه، ممکن است افشای اطلاعات پرونده، بدون آنکه تمامی عناصر عناوین موجود را داشته باشد، امنیت شاهد، حریم اطلاعاتی متهم، حیثیت بزه‌دیده یا سلامت تحقیقات را به‌طور جدی نقض کند و در عین حال، با پاسخ کیفری روشن و متناسبی مواجه نشود. پراکندگی مقررات موجود، از یک‌سو، احتمال خلأ حمایتی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، ممکن است زمینه توسعه تفسیری عناوین عام را فراهم سازد؛ امری که با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها سازگار نیست. در مقابل، جرم‌انگاری گسترده و مبهم نقض محرمانگی نیز می‌تواند گزارشگری قضایی، آزادی مشروع رسانه‌ها، نقد عملکرد نهادهای عمومی، افشای فساد و حق دفاع را محدود کند. از این‌رو، مسأله اصلی صرفا ضرورت یا عدم ضرورت جرم‌انگاری نیست، بلکه تعیین دقیق قلمرو مداخله کیفری است. باید مشخص شود چه اطلاعاتی دارای وصف محرمانه‌اند، این وصف بر چه مبنایی ایجاد می‌شود و تا چه زمانی ادامه دارد، چه اشخاصی مکلف به حفظ اطلاعات هستند، کدام رفتارها مصداق افشا یا فراهم کردن دسترسی نامجاز محسوب می‌شوند، چه سطحی از تقصیر برای تحقق مسؤولیت لازم است و چه مواردی به دلیل رضایت معتبر، اجرای تکلیف قانونی، دفاع از حق، گزارش به مرجع

صالح، ضرورت یا منفعت عمومی از قلمرو جرم خارج می‌شوند. ضمانت اجرا نیز باید با جایگاه مرتکب، حساسیت اطلاعات، گستره انتشار، انگیزه و میزان زیان یا خطر ناشی از رفتار تناسب داشته باشد (تدین و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۵۵).

بررسی فقهی موضوع از آن جهت ضرورت دارد که جرم‌انگاری در نظام حقوقی ایران، علاوه بر اصول سیاست جنایی و الزامات قانون اساسی، باید از پشتوانه شرعی برخوردار باشد. در منابع اسلامی، تجسس، غیبت، افشای راز، اشاعه امور منافی عفت، هتک حرمت و اضرار به دیگری منع شده و حفظ امانت و صیانت از حیثیت اشخاص مورد تأکید قرار گرفته است. این مبانی می‌توانند از حق اشخاص بر مصونیت اطلاعاتی در فرایند کیفری حمایت کنند؛ با این‌حال، استنتاج یک عنوان مجرمانه مستقل مستلزم تفکیک میان حرمت تکلیفی و ضرورت جرم‌انگاری قانونی است. هر رفتار حرامی الزاما نباید با ضمانت اجرای کیفری مواجه شود و توسل به مجازات هنگامی موجه است که رفتار، زیانی قابل‌توجه به حقوق فردی یا نظم عمومی وارد سازد، پاسخ‌های مدنی، انتظامی و اداری برای مقابله با آن کافی نباشند و قانون بتواند رفتار ممنوع و حدود مسؤولیت را به‌صورت روشن و پیش‌بینی‌پذیر تعریف کند. در چنین شرایطی، اختیارات تعزیری حاکم و مسؤولیت حکومت در حمایت از حقوق اشخاص و حفظ نظم قضایی می‌تواند مبنای مشروعی برای مداخله کیفری فراهم سازد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۲/ ۲۹۶). تحول دادرسی الکترونیکی و گسترش رسانه‌های اجتماعی، ضرورت بازنگری در شیوه حمایت از اطلاعات قضایی را افزایش داده است. در گذشته، محدودیت فیزیکی ظرفیت دادگاه، دشواری دسترسی به پرونده و محدودبودن ابزارهای انتشار، نوعی حریم عملی برای اطلاعات دادرسی ایجاد می‌کرد؛ اما امروزه دسترسی از راه دور، ضبط پنهانی، تصویربرداری از صفحات سامانه‌های قضایی، ارسال فوری اسناد و بازنشر زنجیره‌ای محتوا، اطلاعات را در زمانی کوتاه در اختیار مخاطبانی نامحدود قرار می‌دهد. این تحول، در کنار افزایش دسترسی عمومی به عدالت، خطر انتشار گزینشی، تحریف محتوا، آزار دیجیتال و ماندگاری دائمی اطلاعات حساس را نیز تشدید کرده است. از این‌رو، عدالت دیجیتال نیازمند بازتعریف رابطه میان علنی بودن، دسترسی و حریم خصوصی است و قواعد ناظر بر دادرسی حضوری را نمی‌توان بدون توجه به ویژگی‌های محیط شبکه‌ای بر دادرسی الکترونیکی اعمال کرد (Ahmed, 2023: 10; Boulanger-Bonnelly, 2022: 305).

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا مبانی فقه امامیه ظرفیت توجیه جرم‌انگاری مستقل نقض محرمانگی دادرسی کیفری را دارد و الگوی تقنینی مناسب برای حقوق ایران باید از چه عناصر و ضوابطی برخوردار باشد؟ فرض پژوهش این است که قواعد حرمت تجسس، منع افشای سر، صیانت از عرض و حیثیت اشخاص، قاعده لاضرر، لزوم امانت‌داری کارگزاران و منع اخلال در اجرای عدالت، همراه با اختیار تعزیر، مداخله کیفری را در موارد شدید، عمدی و زیان‌بار توجیه می‌کنند؛ با این‌حال، مشروعیت چنین مداخله‌ای منوط به تعریف دقیق اطلاعات محرمانه، تفکیک صاحبان تکلیف حرفه‌ای از اشخاص ثالث، تعیین روشن رفتار مادی و عنصر روانی، پیش‌بینی موارد خروج از مسؤولیت و رعایت تناسب ضمانت اجراست. پژوهش حاضر با روش توصیفی – تحلیلی و با استفاده از منابع فقه امامیه، قوانین، مقررات و پژوهش‌های حقوقی ایران انجام شده است. ساختار مقاله نیز بر سه محور اصلی استوار است: نخست، مبانی مفهومی و فقهی محرمانگی دادرسی تبیین می‌شود؛ سپس وضعیت حقوقی، خلأها و ضمانت اجراهای موجود در حقوق ایران تحلیل می‌گردد؛ و در پایان، ضوابط و الگوی پیشنهادی جرم‌انگاری مستقل نقض محرمانگی دادرسی ارائه می‌شود.

۱– مبانی مفهومی و فقهی محرمانگی دادرسی کیفری و نقض آن

محرمانگی دادرسی کیفری را نمی‌توان صرفا به بسته بودن درهای دادگاه یا ممنوعیت حضور مردم فروکاست. این مفهوم مجموعه‌ای از تکالیف و محدودیت‌هاست که بر دسترسی، استفاده، انتقال و انتشار اطلاعات حاصل از فرایند کیفری حاکم می‌شود. ممکن است جلسه دادگاه علنی باشد، اما نام بزه‌دیده، هویت طفل، نشانی شاهد، تصویر متهم یا محتوای سند خاصی قابل انتشار نباشد. برعکس، ممکن است بخشی از رسیدگی غیرعلنی برگزار شود، اما رأی نهایی یا خلاصه استدلال دادگاه

برای پاسخگویی عمومی منتشر گردد. بنابراین محرمانگی، وصفی نسبی، موضوع‌محور و زمان‌مند است که باید با نوع اطلاعات، مرحله رسیدگی، شخص ذی‌نفع و هدف محدودیت سنجیده شود.

۱-۱- مفهوم و قلمرو محرمانگی دادرسی کیفری

محرمانگی در معنای عام، الزام شخصی است که به سبب وظیفه، حرفه، رابطه قراردادی یا وضعیت خاص به اطلاعاتی دست یافته است تا آن اطلاعات را جز در حدود مجاز در اختیار دیگری نگذارد. در دادرسی کیفری، این تعریف نیازمند توسعه است؛ زیرا علاوه بر «افشا»، رفتارهایی مانند مشاهده بدون مجوز، نسخه‌برداری، ضبط صدا و تصویر، انتقال فایل، ایجاد دسترسی فنی، نگهداری ناامن و استفاده ثانویه از داده نیز می‌توانند هدف حمایت را نقض کنند. از این‌رو، محرمانگی دادرسی را می‌توان وضعیت حقوقی اطلاعاتی دانست که به‌سبب ارتباط با تحقیقات، تعقیب، محاکمه یا اجرای حکم، دسترسی و بهره‌برداری از آن‌ها فقط برای اشخاص معین و اهداف قانونی مجاز است. موضوع این حمایت دامنه گسترده‌ای دارد. نخست، اطلاعات هویتی اشخاص است: نام، تصویر، صدا، نشانی، شماره تماس، محل کار، مشخصات بستگان و هر داده‌ای که امکان شناسایی مستقیم یا غیرمستقیم را فراهم کند. دوم، اطلاعات ماهوی پرونده است: شکایت، دفاعیات، اقرار، متن بازجویی، گزارش ضابط، نظریه پزشکی قانونی، سوابق پزشکی و روان‌شناختی، داده‌های ژنتیکی، مکاتبات و محتوای ابزارهای الکترونیکی. سوم، اطلاعات عملیاتی و امنیتی است: روش‌های تحقیق، برنامه حفاظت از شاهد، محل نگهداری متهم، زمان عملیات و هویت مأموران مخفی. چهارم، داده‌های قضایی داخلی است: پیش‌نویس تصمیم، مذاکرات محرمانه، گزارش‌های مشورتی و اطلاعاتی که افشای آن‌ها استقلال تصمیم‌گیری را مخدوش می‌کند. تمایز میان دسته‌ها از حیث شدت و مدت حمایت، بخشی از تضمین امنیت قضایی اشخاص است (نجفی‌زاده دهکردی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲).

قلمرو شخصی محرمانگی نیز فراتر از مقامات قضایی است. قضات، دادستان‌ها، کارکنان دفاتر، ضابطان، کارشناسان، مترجمان، وکلا، پزشکان قانونی و کارکنان فناوری اطلاعات به دلیل وظیفه حرفه‌ای دسترسی ممتاز دارند و نقض تکلیف از سوی آنان از اعتماد ویژه‌ای که جامعه به منصب یا حرفه سپرده است، سوءاستفاده می‌کند. اما اشخاص ثالث نیز ممکن است با هک، دریافت فایل، حضور در جلسه یا ارتباط با یکی از طرفین به داده‌ها دست یابند. مسؤولیت کیفری این دو گروه نباید کاملا یکسان باشد. صاحب تکلیف حرفه‌ای حتی بدون انتشار گسترده، با افشای عمدی به یک فرد نامجاز، تعهد ویژه خود را نقض می‌کند؛ درحالی‌که مسؤولیت شخص ثالث باید به علم او به وصف محرمانه و غیرمجاز بودن تحصیل یا انتشار وابسته باشد. از منظر مراحل دادرسی، تحقیقات مقدماتی بیشترین نیاز به محرمانگی را دارد. هدف این محدودیت، تنها حمایت از آبروی متهم نیست؛ بلکه جلوگیری از تبانی، فرار، امحای دلیل، تأثیرگذاری بر شهود و اخلال در کشف حقیقت نیز مطرح است. با ورود پرونده به محاکمه، اصل بر علنی بودن است، اما این اصل مطلق نیست و در موارد مرتبط با عفت عمومی، امنیت، منافع اطفال، حریم خصوصی و نظم دادرسی محدود می‌شود. در مرحله پس از صدور رأی نیز برخی اطلاعات، مانند هویت بزه‌دیده جنسی، داده پزشکی یا محل اقامت شاهد حمایت‌شده، ممکن است همچنان محرمانه بمانند؛ بنابراین پایان رسیدگی الزاما به پایان وصف محرمانه همه داده‌ها نمی‌انجامد (راسته و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۷).

رابطه محرمانگی با اصل علنی بودن باید دقیقا تبیین شود. علنی بودن، حق جامعه برای مشاهده شیوه اعمال عدالت و تضمینی علیه قضاوت پنهان است؛ محرمانگی، حق اشخاص و ضرورت نهادی برای محدود کردن استفاده از اطلاعات حساس است. تعارض زمانی ایجاد می‌شود که موضوع محدودیت آن‌قدر گسترده تعریف شود که امکان نظارت عمومی را از میان ببرد، یا برعکس، علنی بودن به‌عنوان مجوز انتشار بی‌حد همه جزئیات تلقی شود. راه‌حل، اعمال اصل «حداقل محدودیت لازم» است: دادگاه باید تا حد امکان اصل جلسه و استدلال قضایی را علنی نگه دارد و فقط داده یا بخش مشخصی را که افشای آن ضرر واقعی و قابل پیش‌بینی دارد، محدود سازد. مطالعات مربوط به استثنائات دادرسی علنی نیز بر ضرورت تفسیر مضیق استثناها و بیان دلیل محدودیت تأکید دارند (بارانی‌بیرانوند و احمدزاده، ۱۴۰۲: ۸۲). محرمانگی همچنین با

حریم خصوصی هم‌پوشانی دارد، ولی با آن یکسان نیست. حریم خصوصی بر کنترل فرد نسبت به اطلاعات و زندگی شخصی تأکید می‌کند، درحالی‌که محرمانگی ممکن است از منافع عمومی مستقل، مانند سلامت تحقیقات و اقتدار دادگاه، نیز حمایت کند. برای مثال، افشای زمان عملیات دستگیری ممکن است حریم خصوصی شخص خاصی را نقض نکند، اما اجرای عدالت را به خطر اندازد. برعکس، انتشار جزئیات پزشکی یک متهم پس از پایان پرونده ممکن است تأثیری بر دادرسی نداشته باشد، ولی حریم خصوصی او را شدیدا مخدوش کند. عنوان مجرمانه پیشنهادی باید هر دو بعد را ببیند و موضوع حمایت را فقط به «سر شخصی» یا فقط به «اسرار اداری» محدود نسازد. در محیط دیجیتال، قلمرو افشا باید شامل بازنشر و تسهیل دسترسی نیز باشد. فردی که لینک فایل محرمانه را در کانالی عمومی قرار می‌دهد، ممکن است خود فایل را بارگذاری نکرده باشد، اما عملا دسترسی نامحدود ایجاد کرده است. همچنین ترکیب چند داده ظاهرا بی‌نام می‌تواند به شناسایی شخص منجر شود؛ بنابراین ناشناس‌سازی باید با معیار امکان شناسایی معقول سنجیده شود، نه صرف حذف نام. تصویر محل، سن، شغل، نسبت خانوادگی یا زمان واقعه ممکن است برای جامعه محلی کافی باشد تا بزه‌دیده یا متهم را شناسایی کند. حق بر تصویر نیز اقتضا دارد انتشار چهره در لباس بازداشت یا هنگام انتقال، صرفا به دلیل حضور در فضای عمومی مجاز تلقی نشود (خالقی و جهانمردی، ۱۴۰۳: ۱۵۰). در نهایت، «نقض محرمانگی» باید از گزارش مجاز و دقیق جلسه علنی تفکیک شود. خبرنگاری که بر پایه اطلاعات قابل انتشار، گزارش منصفانه و هم‌زمان از محاکمه ارائه می‌کند، نه‌تنها مرتکب تخلف نیست، بلکه به تحقق عدالت علنی کمک می‌کند. مسؤولیت زمانی مطرح می‌شود که وی دستور محدودیت را نقض کند، داده‌ای را که از مجرای غیرمجاز تحصیل شده منتشر سازد، هویت حمایت‌شده را آشکار کند یا با انتشار جهت‌دار، رسیدگی جاری را در معرض پیش‌داوری جدی قرار دهد. این تمایز باید در متن قانون صریح باشد تا حمایت از محرمانگی به محدود شدن علنی بودن و کاهش پاسخگویی قضایی منجر نشود (مؤذن‌زادگان و راسته، ۱۴۰۴: ۲۲۰).

۲-۱- مبانی فقهی حمایت از محرمانگی دادرسی

مبانی فقهی حمایت از محرمانگی دادرسی را باید در مجموعه‌ای از ادله و قواعد جست‌وجو کرد، نه در یک عنوان منفرد. منابع فقهی کلاسیک به‌طور طبیعی با اصطلاح جدید «حریم اطلاعاتی دادرسی» مواجه نبوده‌اند، اما درباره حرمت تجسس، غیبت، افشای راز، هتک عرض، اضرار به دیگری، خیانت در امانت و لزوم صیانت قاضی از حقوق طرفین احکامی دارند که می‌توان از آن‌ها چارچوبی منسجم استخراج کرد. روش صحیح آن است که نخست حرمت یا منع اولیه رفتار اثبات شود، سپس نسبت آن با اختیار حکومت در تعیین تعزیر و در نهایت شرایط تبدیل ممنوعیت شرعی به جرم قانونی بررسی گردد.

نخستین مبنای قرآنی حمایت از محرمانگی دادرسی کیفری، حرمت تجسس است. خداوند متعال در آیه دوازدهم سوره حجرات می‌فرماید:

«یا أیها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن إن بعض الظن إثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا أیحب أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتا فکرهتموه واتقوا الله إن الله تواب رحیم».

ترجمه: **«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید و برخی از شما غیبت برخی دیگر را نکند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ بی‌تردید از آن کراهت دارید؛ و از خدا پروا کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است»** (حجرات/ ۱۲).

محل استدلال در این آیه، عبارت «ولا تجسسوا» است که به‌صراحت از جست‌وجو و کاوش غیرمجاز در امور پنهان دیگران نهی می‌کند. تجسس در معنای فقهی، کوشش برای کشف اموری است که اشخاص آن‌ها را از دسترس عمومی خارج ساخته‌اند و رضایتی به آگاهی دیگران از آن ندارند. بر این اساس، دسترسی بدون مجوز به پرونده کیفری، ورود غیرقانونی به سامانه‌های قضایی، مشاهده یا نسخه‌برداری از اسناد محرمانه، بازیابی اطلاعات تلفن همراه توقیف‌شده یا تحصیل پنهانی داده‌های مربوط به تحقیقات مقدماتی، از مصادیق معاصر ملاک نهی‌شده در آیه محسوب می‌شود. ارتباط آیه با موضوع محرمانگی دادرسی از آن جهت است که اطلاعات

موجود در پرونده کیفری، به صرف قرار گرفتن در اختیار دستگاه قضایی، وصف عمومی پیدا نمی‌کنند. این اطلاعات برای هدف معینی، یعنی کشف حقیقت، تعقیب جرم، دفاع و صدور رأی، در اختیار اشخاص و مقامات معین قرار گرفته‌اند. بنابراین ورود اشخاص فاقد مجوز به این قلمرو اطلاعاتی، علاوه بر نقض مقررات شکلی، تعرض به حریم اطلاعاتی اشخاص و مصداقی از تجسس ممنوع است. البته استناد به این آیه ناظر به تحصیل و دسترسی نامشروع است و شامل دسترسی قانونی مقامات قضایی در حدود ضرورت تحقیق و با رعایت تشریفات مقرر نمی‌شود. دومین مبنا، حرمت افشای سر و نقض امانت در گفت‌وگو و رابطه حرفه‌ای است. در روایات، سخنی که در مجلس به‌گونه‌ای بیان می‌شود که عرفا بر امانت بودن آن دلالت دارد، امانت شمرده شده است. در یکی از ابواب وسائل الشیعه، مضمون «المجالس بالأمانة» و نیز روایت مربوط به اعتماد گوینده به شنونده، بر این معنا دلالت دارد که اطلاع‌یافتن از سخن خصوصی، مجوز انتقال آن به دیگران نیست (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۲/ ۱۰۴). پرونده کیفری به طریق اولی واجد وصف امانی است؛ زیرا طرفین اطلاعات را به اختیار کامل خود منتشر نمی‌کنند، بلکه به دلیل الزام قانونی، نیاز دفاعی یا تکلیف همکاری با مرجع قضایی ارائه می‌دهند. قاضی، ضابط، کارشناس و کارمند دادگستری امین اطلاعات‌اند و استفاده از آن‌ها خارج از هدف دادرسی، عدول از حدود اذن و نقض امانت محسوب می‌شود.

سومین مبنا، حرمت غیبت و هتک عرض است. هرچند انتشار اطلاعات پرونده همیشه از نظر فنی غیبت نیست، ملاک حمایت از آبرو در آن حضور دارد. افشای رفتار یا وصفی که شخص از آشکارشدن آن کراهت دارد، به‌ویژه هنگامی‌که هنوز در دادگاه اثبات نشده، می‌تواند حیثیت اجتماعی او را نابود کند. وسائل الشیعه در ابواب غیبت و حرمت مؤمن، صیانت از عرض را در شمار حقوق اساسی قرار می‌دهد و افشای عیب پنهان را نکوهش می‌کند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۲/ ۲۹۷). این حمایت تنها از متهم نیست؛ بزه‌دیده جرائم جنسی، شاهد، طفل و خانواده آنان نیز ممکن است با انتشار جزئیات پرونده در معرض سرزنش، انتقام، طرد اجتماعی یا آسیب روانی قرار گیرند.

چهارمین مبنای قرآنی حمایت از محرمانگی دادرسی کیفری، منع اشاعه فحشا و جلوگیری از انتشار ناموجه اطلاعات زیان‌بار درباره اشخاص است. خداوند متعال در آیه نوزدهم سوره نور می‌فرماید:

«إن الذین یحبون أن تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب ألیم فی الدنیا والآخرة والله یعلم وأنتم لا تعلمون».

ترجمه: **«همانا کسانی که دوست دارند زشتی و کار ناپسند در میان مؤمنان شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید»** (نور/ ۱۹).

محل استدلال در آیه، عبارت «أن تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا» است. واژه «تشیع» بر انتشار، رواج‌یافتن و گسترش‌یافتن دلالت دارد؛ از این‌رو، مفاد آیه تنها ناظر به ارتکاب رفتار ناپسند نیست، بلکه اشاعه و گسترش اخبار، تصاویر و مطالب مربوط به آن را نیز در برمی‌گیرد. بر این مبنا، انتشار غیرضروری و جزئی‌نگرانه اطلاعات پرونده‌های منافی عفت، تصاویر خصوصی، اظهارات بزه‌دیدگان جرائم جنسی یا شرح تحریک‌آمیز جزئیات رفتار مجرمانه می‌تواند با ملاک نهی مقرر در آیه ارتباط پیدا کند. محل بحث در پژوهش حاضر، هرگونه گزارش جرم یا اطلاع‌رسانی قضایی نیست؛ زیرا گزارش مسؤولانه برای پیشگیری از جرم، آموزش عمومی، نظارت بر عملکرد دادگاه و نقد منصفانه دستگاه عدالت ممکن است دارای مصلحت مشروع باشد. آنچه با مفاد آیه ارتباط دارد، انتشار اطلاعاتی است که بدون ضرورت اجتماعی، با هدف جلب مخاطب، تحقیر اشخاص، تحریک کنجکاوی عمومی یا بازتولید گسترده امور منافی عفت انجام می‌شود. بنابراین، آیه می‌تواند پشتوانه فقهی ممنوعیت انتشار ناموجه جزئیات حساس پرونده باشد، اما نمی‌توان از آن ممنوعیت مطلق گزارشگری قضایی یا تعطیل اصل علنی بودن دادرسی را استنتاج کرد.

پنجمین مبنا، قاعده لاضرر است. نقض محرمانگی می‌تواند ضرر مادی و معنوی مستقیم ایجاد کند: از دست‌دادن شغل، اخراج از محیط آموزشی، فروپاشی روابط خانوادگی، هزینه‌های حفاظت، تهدید جانی، اضطراب و کاهش امکان محاکمه بی‌طرفانه. هرچند قاعده لاضرر به‌تنهایی همواره منشأ جرم‌انگاری نیست، در کنار ادله خاص نشان می‌دهد شارع از

اعمال حقی که به زیان نامتعارف دیگری می‌انجامد حمایت نمی‌کند. در این چارچوب، حتی اگر اصل دسترسی رسانه یا حضور در جلسه پذیرفته شود، بهره‌برداری زیان‌بار و خارج از هدف از اطلاعات می‌تواند محدود گردد. حمایت از شهود و بزه‌دیدگان نیز بر همین ضرورت استوار است؛ زیرا افشای هویت، گاه آنان را از همکاری با عدالت منصرف می‌کند و به کارآمدی نظام قضایی آسیب می‌زند (دولتخواه و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱).

ششمین مبنای قرآنی حمایت از محرمانگی دادرسی، وجوب ادای امانت و رعایت عدالت از سوی کارگزاران حکومت است. خداوند متعال در آیه پنجاه‌وهشتم سوره نساء می‌فرماید:

«إن الله يأمركم أن تؤدوا الأمانات إلي أهلها وإذا حكمتم بين الناس أن تحكموا بالعدل إن الله نعما يعظكم به إن الله كان سميعا بصيرا». ترجمه: **«همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید و هنگامی‌که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. چه نیکوست آنچه خداوند شما را به آن اندرز می‌دهد؛ بی‌گمان خداوند شنوا و بیناست»** (نساء/ ۵۸).

محل استدلال در این آیه، از یک‌سو عبارت «أن تؤدوا الأمانات إلي أهلها» و از سوی دیگر عبارت «أن تحكموا بالعدل» است. قرار گرفتن ادای امانت در کنار حکم عادلانه نشان می‌دهد که اعمال صلاحیت قضایی تنها به صدور رأی صحیح محدود نیست، بلکه نگهداری درست از حقوق، اسناد و اطلاعاتی که در جریان دادرسی در اختیار حاکم و کارگزاران او قرار می‌گیرد نیز بخشی از تکلیف عدالت‌محور حکومت است.

اطلاعات پرونده کیفری نوعی امانت حقوقی و عمومی است؛ زیرا متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر اشخاص، اطلاعات خصوصی خود را برای انتشار عمومی در اختیار مرجع قضایی قرار نمی‌دهند، بلکه ارائه آن‌ها ناشی از الزام قانونی، ضرورت دفاع، ادای شهادت یا همکاری با عدالت است. از این‌رو، قاضی، دادستان، ضابط، کارشناس، مترجم، وکیل، کارمند دادگستری و مسؤول سامانه‌های قضایی مجاز نیستند اطلاعات مزبور را خارج از هدف قانونی دادرسی افشا یا مورد بهره‌برداری شخصی قرار دهند.

محل بحث آیه در موضوع پژوهش، اثبات تکلیف امانت‌داری دستگاه قضایی و صاحبان دسترسی حرفه‌ای است. این آیه به‌تنهایی تمام عناصر یک جرم مستقل را تعیین نمی‌کند، اما مبنای شرعی مهمی برای الزام حکومت به حفاظت اداری، فنی و کیفری از اطلاعات دادرسی فراهم می‌آورد. بر این اساس، ضعف سامانه‌های حفاظتی، اعطای دسترسی بیش از نیاز، فقدان ثبت ورود و دریافت اسناد، ارسال پرونده در بستر ناامن و افشای عمدی اطلاعات، می‌تواند با تکلیف قرآنی صیانت از امانت ناسازگار باشد. هفتمین مبنا، حفظ نظم قضایی و منع اخلال در فصل خصومت است. افشای زودهنگام اظهارات شهود، نظر کارشناس یا راهبرد تحقیق، امکان هماهنگ کردن شهادت، فرار متهم، از بین بردن دلیل یا فشار بر بزه‌دیده را فراهم می‌کند. در چنین وضعی، موضوع فقط حق خصوصی نیست، بلکه حق عمومی جامعه به اجرای سالم عدالت نیز نقض می‌شود. فقهای امامیه در ابواب قضا بر شنیدن برابر سخنان طرفین، پرهیز از جانبداری و استناد به طرق معتبر تأکید کرده‌اند. اگر افشا محیط رسیدگی را به‌گونه‌ای تغییر دهد که قاضی یا شاهد تحت فشار افکار عمومی قرار گیرد، امکان تحقق این الزامات کاهش می‌یابد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۴/ ۷۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۳/ ۳۷۳).

با وجود این مبانی، باید میان «حرمت شرعی» و «جرم قانونی» تفکیک کرد. ممکن است رفتار از نظر اخلاقی یا تکلیفی ممنوع باشد، اما حکومت به دلیل خفیف بودن زیان، دشواری اثبات یا کفایت ضمانت اجرای مدنی و انتظامی، آن را جرم اعلام نکند. جرم‌انگاری هنگامی موجه است که رفتار به مصلحت اساسی فردی یا عمومی آسیب قابل اعتنا بزند، پاسخ‌های کم‌هزینه‌تر ناکافی باشند و قانون بتواند با تعریف روشن، از اجرای سلیقه‌ای جلوگیری کند. اختیار تعزیر به حاکم اجازه می‌دهد برای محرمات یا اعمال مخل نظم، مجازات تعیین کند، ولی این اختیار در دولت قانون‌مدار باید از مجرای قانون، با رعایت تناسب و پیش‌بینی‌پذیری اعمال شود (امام خمینی، ۱۴۲۷ق: ۲/ ۴۹۹؛ نراقی، ۱۴۱۵ق: ۱۸/ ۱۱۰).

مبنای فقهی همچنین اقتضا دارد استثناهای مشروع شناخته شوند. افشای اطلاعات برای دفاع از خود، گزارش جرم به مرجع

صالح، جلوگیری از خطر قریب‌الوقوع، اجرای تکلیف قانونی، پژوهش ناشناس‌سازی‌شده یا اطلاع‌رسانی درباره فساد قضایی ممکن است مصلحتی برتر داشته باشد. ممنوعیت مطلق می‌تواند به پوشاندن سوءاستفاده مقامات یا محروم کردن متهم از حق دفاع بینجامد. بنابراین ترازوی فقهی باید میان حرمت هتک و ضرورت امر به معروف، ادای شهادت، نصیحت عمومی و دفع ضرر اهم توازن ایجاد کند. این توازن، دلیل دیگری است که عنوان پیشنهادی باید محدود و دقیق باشد و به هر انتشار ناخوشایند وصف کیفری ندهد.

در مجموع، فقه امامیه ظرفیت کافی برای حمایت از محرمانگی دادرسی دارد. حرمت تحصیل نامشروع، منع افشای راز، صیانت از عرض، جلوگیری از اشاعه، قاعده لاضرر، امانت‌داری کارگزاران و حفظ نظم قضا، شبکه‌ای از مبانی را تشکیل می‌دهند که هم حق فرد و هم سلامت نهاد عدالت را پوشش می‌دهد. با این‌حال، انتقال این شبکه به قانون کیفری نیازمند پالایش سیاست‌جنایی است: تنها رفتارهای عمدی یا شدید، با موضوع و مرتکب معین، باید جرم شناخته شوند و سایر موارد از طریق جبران خسارت، دستور حذف، تدابیر امنیتی و مسؤولیت انتظامی پاسخ داده شوند.

۳-۱- ضوابط فقهی و حقوقی جرم‌انگاری نقض محرمانگی دادرسی

نخستین ضابطه جرم‌انگاری، وجود مصلحت یا حق مشخص و قابل دفاع است. عنوانی مانند «حفظ شأن دستگاه قضایی» اگر بدون تعریف به کار رود، می‌تواند برای جلوگیری از نقد مشروع استفاده شود. موضوع حمایت باید روشن باشد: امنیت و حیثیت اشخاص، حریم خصوصی، اصل برائت، سلامت تحقیقات، بی‌طرفی دادگاه و قابلیت اجرای احکام. هر یک از این منافع باید با رفتار ممنوع رابطه مستقیم داشته باشد. برای مثال، افشای نشانی شاهد با امنیت او مرتبط است، انتشار متن ناقص بازجویی با اصل برائت، و افشای عملیات مخفی با سلامت تحقیقات. جرم‌انگاری هنگامی مشروع است که قانون‌گذار نشان دهد ضرر رفتار از سطح ناراحتی یا ناپسندی فراتر می‌رود.

ضابطه دوم، اصل ضرورت یا آخرین حربه بودن حقوق کیفری است. همه موارد نقض محرمانگی به حبس یا جزای نقدی نیاز ندارند. اصلاح ساختار دسترسی، رمزگذاری، ثبت وقایع سامانه، آموزش کارکنان، تعهد محرمانگی، مسؤولیت مدنی، حق پاسخ، حذف محتوا، دستور موقت و مجازات انتظامی در بسیاری از موارد مؤثرترند. کیفر باید برای افشای عمدی، تکراری، سودجویانه، گسترده یا افشایی که خطر جدی برای اشخاص یا دادرسی ایجاد می‌کند محفوظ بماند. این درجه‌بندی با تناسب فقهی نیز سازگار است؛ زیرا تعزیر تابع نوع مفسده، وضعیت مرتکب و آثار رفتار است، نه واکنشی ثابت به همه مصادیق (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۴۱/ ۳۵۸).

ضابطه سوم، قطعیت و شفافیت است. اصطلاحات «اسرار پرونده»، «اطلاعات محرمانه» و «انتشار مخل» اگر بدون معیار رها شوند، امکان پیش‌بینی رفتار مجرمانه را از شهروند می‌گیرند. قانون باید اطلاعات محرمانه را یا به‌صورت فهرست‌شده تعریف کند یا معیارهایی مانند وجود منع قانونی، دستور قضایی، قابلیت شناسایی شخص، خطر جدی برای تحقیقات و ماهیت ذاتا خصوصی داده را ارائه دهد. صرف درج مهر «محرمانه» از سوی اداره نباید برای ایجاد مسؤولیت کیفری کافی باشد؛ زیرا مقام اداری ممکن است بیش‌ازحد لازم اطلاعات را طبقه‌بندی کند. وصف محرمانه باید مستند به قانون یا دستور قضایی قابل اعتراض باشد.

ضابطه چهارم، تعیین دقیق رفتار مادی است. افشا تنها گفتن یا انتشار عمومی نیست. تحویل سند، ارسال پیام، بارگذاری، نمایش صفحه، فراهم کردن رمز عبور، فروش داده، ضبط غیرمجاز جلسه و حتی خودداری عمدی از مسدود کردن دسترسی پس از آگاهی می‌تواند حسب مورد مطرح شود. با این‌حال، قانون نباید مسؤولیت بی‌حد برای دریافت‌کننده منفعل ایجاد کند. صرف مشاهده تصادفی یا دریافت ناخواسته نباید جرم باشد؛ عنصر مادی باید شامل انتقال، قابل دسترس کردن یا استفاده آگاهانه برخلاف محدودیت باشد. در فضای دیجیتال، بازنشر نیز باید مستقل از افشای اولیه قابل تعقیب باشد، به شرط آنکه شخص از وصف محرمانه و غیرمجاز بودن انتشار آگاه باشد.

ضابطه پنجم، تفکیک قلمرو مرتکبان است. کارمند یا ضابط به سبب دسترسی وظیفه‌ای، تکلیف خاص دارد و نقض او دارای

درجه بالاتری از سرزنش است. وکیل و کارشناس نیز در محدوده اطلاعاتی که به اعتماد حرفه‌ای دریافت کرده‌اند، مسؤول‌اند. خبرنگار یا شهروند عادی تکلیف عام محدودتری دارد و نباید بدون اثبات علم به منع قانونی یا دستور قضایی مجازات شود. تفاوت جایگاه باید در عنصر روانی و میزان مجازات منعکس گردد. سوءاستفاده از سمت، دریافت وجه، قصد انتقام، افشای هویت طفل یا شاهد حمایت‌شده و ایجاد خطر جانی می‌تواند از عوامل تشدید باشد.

ضابطه ششم، ضرورت عنصر روانی متناسب است. جرم پایه بهتر است عمدی باشد: مرتکب بداند اطلاعات به دادرسی کیفری مربوط و دسترسی یا انتشار آن ممنوع است و با اراده آن را افشا کند. مسؤولیت ناشی از بی‌احتیاطی را می‌توان برای صاحبان تکلیف حرفه‌ای، آن هم در صورت بی‌مبالاتی فاحش و ایجاد نتیجه زیان‌بار، جداگانه پیش‌بینی کرد. مجازات شهروند عادی برای عدم تشخیص یک محدودیت پیچیده، با اصل تقصیر سازگار نیست. همچنین قصد خاص اضرار نباید شرط جرم پایه باشد؛ زیرا افشا ممکن است از روی خودنمایی یا منفعت مالی صورت گیرد، ولی همان آثار را ایجاد کند. قصد اضرار یا تحصیل منفعت می‌تواند عامل تشدید باشد.

ضابطه هفتم، پیش‌بینی علل موجهه و دفاع‌هاست. رضایت شخص موضوع اطلاعات، اگر آزادانه، آگاهانه و محدود به دامنه مشخص باشد، ممکن است مانع مسؤولیت در بعد خصوصی شود، ولی نمی‌تواند افشایی را که به تحقیقات یا امنیت دیگری زیان می‌زند مشروع کند. افشای لازم برای دفاع قضایی، اجرای دستور مقام صالح، گزارش تخلف، دفع خطر جدی یا انتشار منصفانه اطلاعات جلسه علنی باید از جرم خارج شود. دفاع منفعت عمومی نیز باید محدود و قابل‌سنجش باشد: مرتکب باید دلایل معقولی برای باور به ضرورت افشا داشته باشد و میزان اطلاعات منتشرشده از حد لازم فراتر نرود.

ضابطه هشتم، تناسب ضمانت اجرا و امکان جبران سریع است. در بسیاری از موارد، ارزش اصلی در توقف انتشار و حذف محتواست، نه مجازات دیرهنگام. دادگاه باید اختیار دستور مسدودسازی، استرداد اسناد، حذف داده، منع تماس، حفاظت از شاهد و انتشار اصلاحیه را داشته باشد. جبران خسارت مادی و معنوی و اعاده حیثیت نیز ضروری است. حبس باید به موارد شدید مانند افشای سازمان‌یافته، تجاری، مکرر یا خطرآفرین محدود گردد. پژوهش‌های مرتبط با ضمانت اجرای دادرسی نشان می‌دهد کارآمدی پاسخ، به تنوع و تناسب ابزارها وابسته است و اتکای صرف به مجازات پسینی، از تحقق حق جلوگیری نمی‌کند (تدین و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۶۰).

ضابطه نهم، نظارت قضایی بر محدودیت‌هاست. محرمانگی نباید به تصمیم نامحدود مقام تحقیق وابسته باشد. دستور محدودیت انتشار باید موضوع، مدت، اشخاص مخاطب و دلیل ضرورت را مشخص کند و امکان اعتراض یا بازبینی دوره‌ای وجود داشته باشد. هرچه محدودیت به اصل علنی بودن نزدیک‌تر باشد، توجیه آن باید قوی‌تر باشد. ایجاد موازنه میان امنیت ملی و علنی بودن نیز مستلزم کنترل قضایی، ضرورت‌سنجی و پرهیز از کلی‌گویی است (مؤذن‌زادگان و راسته، ۱۴۰۴: ۲۲۰).

در نتیجه، امکان فقهی جرم‌انگاری مستقل مثبت است، اما پاسخ مطلوب یک جرم مطلق و فراگیر نیست. الگوی مشروع باید رفتارهای هسته‌ای را هدف بگیرد، درجات مسؤولیت را تفکیک کند، دفاع‌های روشن داشته باشد و با ابزارهای غیرکیفری تکمیل شود. تنها در چنین صورتی می‌توان از محرمانگی حمایت کرد، بدون آنکه عدالت علنی و آزادی اطلاعات به بهانه حفاظت از پرونده تضعیف شوند.

۲- تحلیل فقهی – حقوقی و امکان‌سنجی جرم‌انگاری مستقل نقض محرمانگی دادرسی در حقوق ایران

حمایت از محرمانگی دادرسی در حقوق ایران میان مقررات تحقیقات مقدماتی، حمایت از اشخاص، اسرار حرفه‌ای و مسؤولیت‌های انتظامی پراکنده است. این وضعیت، تعیین اطلاعات مشمول حمایت، اشخاص مسؤول، رفتار ممنوع و ضمانت اجرای متناسب را دشوار می‌سازد. از این‌رو، جرم مستقل باید خلأیی مشخص را پوشش دهد: افشای عمدی یا فراهم کردن دسترسی نامجاز به اطلاعاتی که حیثیت و امنیت اشخاص یا سلامت دادرسی را به‌طور جدی تهدید می‌کند.

این عنوان نباید جایگزین مقررات موجود شود، بلکه باید حلقه اتصال میان حمایت از حریم فردی، امنیت مشارکت‌کنندگان و سلامت فرایند قضایی باشد. در نتیجه، قلمرو آن باید محدود به رفتارهایی بماند که از نظر شدت زیان و درجه سرزنش‌پذیری، مداخله کیفری را واقعا ضروری می‌سازند.

۱-۲- ضرورت و مبانی حمایت کیفری مستقل از محرمانگی دادرسی

افشای اطلاعات کیفری می‌تواند مستقل از نتیجه پرونده زیان‌بار باشد. انتشار نام، تصویر، اطلاعات پزشکی یا اظهارات شخص در مرحله تحقیق، پیش از اثبات اتهام، او را در معرض مجازات اجتماعی قرار می‌دهد. حق متهم بر تصویر نیز نشان می‌دهد علنی بودن دادرسی، مجوز افشای هویت و جزئیات زندگی خصوصی او نیست (خالقی و جهانمردی، ۱۴۰۳: ۱۴۵).

در فقه امامیه، مطابق بودن اطلاعات با واقع همیشه انتشار آن را مشروع نمی‌سازد؛ زیرا غیبت، افشای سر، هتک حرمت و اضرار می‌تواند درباره امر صحیح نیز تحقق یابد. بنابراین، معیار مشروعیت، تنها درستی خبر نیست و باید مجاز بودن دسترسی، هدف انتشار و آثار آن نیز ارزیابی شود (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۱۲/ ۲۹۷).

افشا ممکن است به تهدید شاهد، تبانی، امحای دلیل، فرار متهم یا پیش‌داوری عمومی منجر شود. تدابیر شکلی حمایت از شاهد نیز با هدف حفظ امنیت و امکان ادای شهادت پیش‌بینی شده‌اند (دولتخواه و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱). در فقه قضا، صیانت از مقدمات رسیدگی عادلانه و جلوگیری از فشار بر طرفین، بخشی از وظیفه حاکم در فصل خصومت است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳ق: ۲۴).

با این‌حال، حرمت شرعی به‌تنهایی برای جرم‌انگاری کافی نیست. مداخله کیفری زمانی موجه است که افشا به حق فردی یا نظم قضایی زیانی قابل‌اعتنا وارد کند، پاسخ‌های غیرکیفری کافی نباشند و رفتار ممنوع به‌صورت روشن قابل تعریف باشد. اختیار تعزیر نیز باید از مجرای قانون و با رعایت مصلحت، تقصیر و تناسب اعمال شود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۴۱/ ۳۵۸).

واگذاری پرونده در برابر وجه با بازنشر ناآگاهانه یک خبر یکسان نیست. پاسخ باید با سمت مرتکب، ماهیت اطلاعات، گستره انتشار، انگیزه و خطر ایجادشده تناسب داشته باشد. مجازات کیفری باید برای رفتار عمدی، سودجویانه یا اخلال‌گر محفوظ بماند و در موارد خفیف، حذف محتوا، جبران خسارت و مسؤولیت انتظامی در اولویت قرار گیرد (تدین و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۶۰).

۲-۲- خلأها و چالش‌های حقوق ایران در مواجهه با نقض محرمانگی دادرسی

نخستین چالش، فقدان تعریفی منسجم از اطلاعات محرمانه دادرسی است. وصف محرمانه باید از قانون، دستور معتبر قضایی یا تکلیف حرفه‌ای روشن ناشی شود. صرف درج عنوان محرمانه از سوی یک مقام اداری نباید برای ایجاد مسؤولیت کیفری کافی باشد؛ زیرا مخاطب قانون باید بتواند محدوده رفتار ممنوع را پیش‌بینی کند.

چالش دوم، محدود بودن عناوین موجود به افشا و انتشار است؛ درحالی‌که محیط دیجیتال رفتارهایی مانند نسخه‌برداری، انتقال فایل، واگذاری رمز عبور، ارسال پیوند، ضبط جلسه برخط و ایجاد دسترسی فنی را پدید آورده است. جرم پیشنهادی باید این رفتارها را درباره صاحبان تکلیف خاص پوشش دهد؛ اما برای اشخاص ثالث، صرف دریافت یا مشاهده ناخواسته نباید جرم باشد.

چالش سوم، تعیین نسبت محرمانگی با علنی بودن و آزادی اطلاع‌رسانی است. استثناهای علنی بودن باید مضیق تفسیر شوند و دستور محدودکننده، موضوع، دلیل و مدت مشخص داشته باشد (بارانی‌بیرانوند و احمدزاده، ۱۴۰۲: ۸۲). هرچه محدودیت به اصل جلسه، رأی و استدلال قضایی نزدیک‌تر باشد، ضرورت آن باید با دلایل قوی‌تری احراز شود و تحت نظارت قضایی قرار گیرد (مؤذن‌زادگان و راسته، ۱۴۰۴: ۲۲۰).

چالش چهارم، فقدان سازوکاری روشن برای اطلاع‌رسانی و اعتراض به دستورهای محرمانگی است. مخاطب باید بتواند مبنای قانونی، قلمرو، مدت و شیوه اعتراض به دستور را بشناسد. محدودیت جلسات یا اطلاعات نیز باید به اندازه‌ای

اعمال شود که هدف حمایتی را تأمین کند و کمترین تعرض را به حق دفاع و نظارت عمومی وارد سازد (راسته و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰۷).

چالش پنجم، تکثیر و ماندگاری اطلاعات در فضای دیجیتال است. حذف نام همیشه مانع شناسایی نمی‌شود؛ زیرا ترکیب تصویر، شغل، محل واقعه یا رابطه خانوادگی می‌تواند هویت شخص را آشکار سازد. حق بر تصویر نیز اقتضا دارد نمایش چهره متهم در وضعیت بازداشت، صرفا به دلیل حضور او در فضای عمومی مجاز تلقی نشود (خالقی و جهانمردی، ۱۴۰۳: ۱۵۰).

۳-۲- ضوابط و الگوی پیشنهادی جرم‌انگاری مستقل نقض محرمانگی دادرسی در حقوق ایران

جرم‌انگاری مستقل از چهار جهت قابل توجیه است: حمایت از حیثیت و حریم اطلاعاتی، امنیت مشارکت‌کنندگان، سلامت تحقیقات و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی. امنیت قضایی، اطمینان اشخاص از مصونیت اطلاعاتی آنان در فرایند رسیدگی را نیز در برمی‌گیرد (نجفی‌زاده دهکردی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲). با این‌حال، مداخله کیفری باید به موارد شدید و عمدی محدود بماند.

موضوع جرم باید اطلاعاتی باشد که محرمانه بودن آن از قانون، دستور معتبر قضایی یا تکلیف حرفه‌ای ناشی می‌شود؛ مانند داده‌های تحقیقات مقدماتی، هویت حمایت‌شده، نشانی شاهد، اسناد پزشکی و محتوای جلسات غیرعلنی. برای صاحبان تکلیف خاص، رفتار مادی می‌تواند افشا، انتشار، انتقال، نسخه‌برداری هدفمند و فراهم کردن دسترسی نامجاز باشد. مسؤولیت اشخاص ثالث نیز باید به انتشار آگاهانه محدود شود.

جرم پایه باید عمدی باشد؛ یعنی مرتکب از وصف محرمانه اطلاعات آگاه باشد و افشا یا انتقال را اراده کند. قصد اضرار، تحصیل منفعت، تهدید شاهد، اخلال در تحقیقات یا سوءاستفاده از سمت موجب تشدید است. درجه‌بندی واکنش تعزیری نیز باید با شدت مفسده، وضعیت مرتکب و آثار رفتار هماهنگ باشد (امام خمینی، ۱۴۲۷ق: ۲/ ۴۹۹).

موارد خروج از مسؤولیت باید صریح باشند: انجام تکلیف قانونی، دفاع از حق، گزارش به مرجع صالح، جلوگیری از خطر فوری، رضایت معتبر و افشای متناسب در منفعت عمومی. دفاع منفعت عمومی برای جلوگیری از پنهان‌سازی فساد ضروری است، اما مرتکب باید دلایل معقولی برای ضرورت افشا داشته باشد و از حد لازم فراتر نرود (نراقی، ۱۴۱۵ق: ۱۸/ ۱۱۰).

پیشنهاد می‌شود جرم در دو سطح تنظیم شود. سطح پایه، افشای عمدی توسط شخص دارای تکلیف یا انتشار آگاهانه توسط شخص ثالث است. سطح مشدد هنگامی تحقق یابد که رفتار با قصد منفعت، اضرار، تهدید، اخلال در دادرسی، سوءاستفاده از سمت یا انتشار گسترده اطلاعات بسیار حساس انجام شود. در کنار مجازات، دادگاه باید اختیار حذف، منع استفاده مجدد، جبران خسارت و محرومیت حرفه‌ای را داشته باشد.

ماده پیشنهادی می‌تواند مقرر کند: **«هر شخصی که به سبب سمت، وظیفه، حرفه، قرارداد یا دسترسی مجاز به اطلاعات محرمانه مربوط به فرایند کیفری دست یافته و عالما و عامدا آن را برخلاف قانون یا دستور معتبر قضایی افشا، منتشر، منتقل یا در دسترس شخص فاقد صلاحیت قرار دهد، به مجازات مقرر محکوم می‌شود».** تبصره‌ها باید اطلاعات محرمانه، اشخاص مشمول، وضعیت اشخاص ثالث، موارد خروج از مسؤولیت و عوامل تشدید را تعریف کنند. همچنین دستورهای محرمانگی باید در سامانه‌ای رسمی ثبت شوند و مبنای قانونی، موضوع، مدت و شیوه اعتراض را نشان دهند. جرم‌انگاری باید در کنار کنترل فنی دسترسی، ثبت دریافت اسناد، آموزش کارکنان، مسؤولیت انتظامی و جبران مدنی قرار گیرد. بدین‌ترتیب، حمایت کیفری بدون تضعیف علنی بودن، از حقوق اشخاص و سلامت فرایند عدالت پشتیبانی خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

محرمانگی دادرسی کیفری مساوی با سری بودن کلی عدالت نیست، بلکه محدودیتی موضوع‌محور و زمان‌مند بر دسترسی، استفاده و انتشار برخی اطلاعات است. ممکن است جلسه دادگاه علنی باشد، اما هویت طفل، نشانی شاهد، تصویر بزه‌دیده یا اسناد پزشکی قابل انتشار نباشد. این برداشت امکان جمع

میان عدالت علنی و حفاظت از اطلاعات حساس را فراهم می‌کند. حقوق ایران مقررات متعددی درباره تحقیقات مقدماتی، تصویر متهم، حمایت از شهود، اسرار حرفه‌ای و مسؤولیت انتظامی دارد، اما این مقررات همیشه زیان مستقل ناشی از افشای اطلاعات پرونده را پوشش نمی‌دهند. در محیط دیجیتال نیز رفتارهایی مانند نسخه‌برداری، واگذاری دسترسی، ضبط جلسه برخط و بازنشر زنجیره‌ای، خلأ موجود را آشکارتر کرده‌اند. از منظر فقه امامیه، حرمت تجسس، افشای سر، هتک عرض، اضرار و اخلال در اجرای عدالت، همراه با اختیار تعزیری حاکم، اصل حمایت کیفری را توجیه می‌کند. با این‌حال، هر رفتار حرامی الزاما نباید جرم‌انگاری شود. مداخله کیفری باید ضروری، محدود، روشن و متناسب باشد و فقط رفتارهای شدید و قابل سرزنش را در برگیرد.

تحلیل مقررات ایران نشان می‌دهد که حمایت مؤثر از محرمانگی تنها با مجازات تحقق نمی‌یابد و باید مجموعه‌ای هماهنگ از تدابیر پیشگیرانه، فنی، مدنی، انتظامی و کیفری به کار گرفته شود. تعریف دقیق اطلاعات محرمانه، ثبت رسمی دستورهای محدودکننده، کنترل دسترسی، آموزش صاحبان تکلیف و پیش‌بینی پاسخ‌های درجه‌بندی‌شده می‌تواند از توسعه زیان جلوگیری کند. بر این اساس، جرم‌انگاری مستقل از نظر فقهی و حقوقی امکان‌پذیر است. موضوع جرم باید اطلاعاتی باشد که وصف محرمانه آن از قانون، دستور قضایی یا تکلیف حرفه‌ای روشن ناشی می‌شود. برای صاحبان تکلیف خاص، افشا، انتقال و فراهم کردن دسترسی نامجاز باید جرم باشد و برای اشخاص ثالث، مسؤولیت به انتشار آگاهانه محدود گردد. عنصر روانی نیز اصولا عمد است و قصد اضرار، منفعت یا اخلال موجب تشدید خواهد بود. مواردی مانند انجام تکلیف قانونی، دفاع از حق، گزارش به مرجع صالح، جلوگیری از خطر فوری و افشای متناسب در منفعت عمومی باید از مسؤولیت خارج شوند. در کنار مجازات، دستور حذف، منع استفاده مجدد، اصلاح، جبران خسارت و محرومیت حرفه‌ای ضرورت دارد. نتیجه نهایی آن است که با قانونی روشن، حداقلی و متناسب می‌توان هم از حیثیت اشخاص و سلامت دادرسی حمایت کرد و هم اصل علنی بودن، آزادی مشروع اطلاع‌رسانی و حق دفاع را محفوظ داشت.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی نگارش علمی انجام شده است. تمامی داده‌ها از منابع معتبر و عمومی جمع‌آوری‌شده و هیچ‌گونه اطلاعات محرمانه یا غیرمجاز استفاده نشده است. نویسنده متعهد به رعایت صداقت علمی و اجتناب از هرگونه تحریف یا سوءاستفاده از داده‌ها بوده است.

تعارض منافع: نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ‌گونه تعارض منافعی در ارتباط با نگارش این مقاله وجود ندارد. این پژوهش بدون هرگونه وابستگی مالی یا سازمانی انجام شده است.

سهم نویسندگان: این مقاله توسط اینجانب جلال کریمی نژاد دانشجوی مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد شهرکرد نگارش شده و تمامی مراحل پژوهش، شامل طراحی، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و نگارش، به‌صورت مستقل انجام شده است. این پژوهش با هدایت استاد محترم گروه حقوق، سرکار خانم دکتر مریم نقدی دورباطی تدوین شده است.

تشکر و قدردانی: از حمایت‌های معنوی خانواده و دوستان در فرآیند نگارش این مقاله و همچنین، از اساتید و پژوهشگرانی که با آثار خود زمینه‌ساز این مطالعه شدند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون حمایت مالی از سوی هیچ نهاد یا سازمانی انجام شده است. تمامی هزینه‌های مرتبط با مطالعه توسط نویسنده تأمین شده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

الف. منابع فارسی و عربی

– امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۷ق). *تحریر الوسیلة*. ۲ جلد، چاپ دوم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج؛ به‌ویژه جلد دوم، کتاب‌های قضا، شهادات، حدود، قصاص و دیات.

– بارانی‌بیرانوند، امیر و احمدزاده، عفت (۱۴۰۲). «استثنائات وارده بر اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران، اسناد حقوق

بشری و اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی». *دانشنامه‌های حقوقی*، ۶(۲۰): ۵۹-۱۰۸.

- تدین، عباس؛ عبدالله‌پور، ابراهیم و رجبی، اکبر (۱۴۰۳). «ضمانت اجرای دادرسی در گستره ادله کیفری». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۷(۱): ۲۴۷-۲۶۲.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعۀ إلی تحصیل مسائل الشریعۀ*. ۳۰ جلد، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث؛ به‌ویژه ابواب حرمت تجسس، غیبت، افشای اسرار، صفات قاضی، کیفیت حکم و شهادات.

- خالقی، علی و جهانمردی، مژگان (۱۴۰۳). «حق متهم بر تصویر در دادرسی‌های کیفری». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۴(۱): ۱۳۵-۱۵۲.

- دولتخواه، پیمان؛ یوسف‌زاده، رضیه و رهبرپور، محمدرضا (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی تدابیر شکلی حمایت از شهود در برابر تهدید؛ مطالعه موردی ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه اجرایی آن». *فقه و حقوق اسلامی*، ۱۴(۳۳).

- راسته، مرتضی؛ مؤذن‌زادگان، حسنعلی و دولتخواه پاشاکی، پیمان (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی استثنائات حضور افراد در جلسه دادرسی کیفری؛ نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام کیفری ایران». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۲(۲): ۱۹۵-۲۲۲.

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ق). *مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام*. چاپ اول، قم: مؤسسه معارف اسلامی؛ مجلدات مربوط به کتاب القضاء، الشهادات، الإقرار و الحدود.

- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. چاپ دوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان؛ به‌ویژه کتاب القضاء، الشهادات، الإقرار و الحدود.

- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و راسته، مرتضی (۱۴۰۴). «ایجاد موازنه میان اصل علنی بودن دادرسی کیفری و حفاظت از امنیت ملی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۹(۱۰۸): ۲۰۳-۲۳۹.

- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۲۳ق). *فقه القضاء*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.

- نجفی‌زاده دهکردی، حسین؛ جزایری، سیدعباس و صادقی ده‌صحرایی، مرتضی (۱۴۰۲). «امنیت قضایی از دیدگاه فقه و حقوق ایران و اسناد حقوق بشری با تأکید بر دادرسی علنی در امور کیفری». *فقه جزای تطبیقی*، ۳(۱).

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحیاء التراث العربی؛ به‌ویژه جلدهای ۴۰ و ۴۱، کتاب القضاء و الشهادات.

- نراقی، احمد بن محمدمهدی (۱۴۱۵ق). *مستند الشیعۀ فی أحکام الشریعۀ*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث؛ مجلدات مربوط به قضا، شهادات و تعزیرات.

ب. منابع انگلیسی

- Ahmed, S (2023). "Online Courts and Private and Public Aspects of Open Justice: Enhancing Access to Court or Violating the Right to Privacy?" *The Age of Human Rights Journal*, 20, Article e7516. DOI: 10.17561/tahrj.v20.7516.

- Boulanger-Bonnelly, J (2022). "Public Access to Online Hearings." *Dalhousie Law Journal*, 45(2): 303–340.